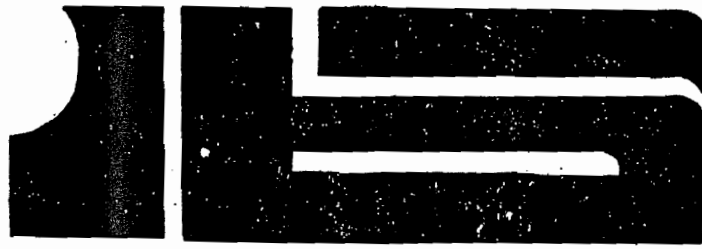


# ویژه اول ماه مه روز جهانی کارگر

دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸  
ویژه اول ماه مه روز جهانی کارگر  
قیمت ۵ ریال



سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکش  
متحد شوید

## جشن اول ماه مه به کارگران ایران خجسته باد

امسال کارگران میهن ما پس از سالها اول ماه مه را در سراسر ایران جشن می گیرند.  
" سازمان ما " ضمن تبریک این روز بزرگ به کارگران ایران از تمامی کارگران و زحمتکش و نیروهای مترقی و دمکراتیک می خواهد که برای همبستگی با " شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه و پشتیبانی از کارگران بیکار ، در مراسمی که روز اول ماه مه ( سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ساعت ۹ صبح ) در محل خانه کارگر ( خیابان ابوریحان ) برگزار می شود ، شرکت نمایند .  
محل برگزاری :  
خیابان انقلاب ( شاهرضای سابق ) خیابان ابوریحان ، خانه کارگر .



## اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان

از سال ۱۸۸۶ میلادی که روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر شناخته شد هشتاد و دو سال از سال ۱۲۹۹ نیز که روز اول ماه مه برای نخستین بار در ایران جشن گرفته شد ، پنجاه و نه سال می گذرد اما فشار و اختناق و ترور در جامعه ما و بخصوص بروی کارگران آنقدر زیاد بوده است که هنوز سده زیادی از کارگران ماحتی نمیدانند روز اول ماه مه چه روزی است ، چه تاریخچه ای دارد و هدف از برگزاری آن چیست ؟  
اول ماه مه را " عید کارگران سراسر جهان " خوانده اند . ولی اگر ما در این عید کارگری فقط شادی و پایکوبی کنیم و برای بزرگداشت مقام کارگر دست به راهپیمائی بزنیم ، کافی نخواهد بود . اول ماه مه محصول مبارزه کارگران و خود سلاخی برای این مبارزه است و بدون درک رابطه آن با مبارزات کارگری ، معنائی نخواهد داشت .

اول ماه مه زمانی در آمریکا بعنوان روز کارگر شناخته شد که شرایط وحشتناک کار که بیش از ۱۴ ساعت در روز بود و در مواردی به ۱۸ ساعت هم می رسید ، جان کارگران را به لب آورده بود . آنها دیگر نمیتوانستند این شرایط غیر انسانی و همچنین بد رفتاریها و جریمه ها را تحمل کنند ، بخصوص که بالاترین دستمزدی که به آنها داده می شد ، اگر در تمام طول سال حتی بدون اینکه بیمار شوند کار میکردند ، فقط نیمی از مخارج خانواده شان را تامین می کرد . به همین جهت لازم بود که زنها و بچه ها ی کارگران هم با شرایط خیلی سخت تر و دستمزد پائینتری مشغول بکار شوند تا مخارج خانواده تامین شود .

در چنین شرایطی بود که کارگران آمریکا پس از شکست اعتصابات و اعتراضات پراکنده خود ، بتدریج متوجه شدند که تنها با اتحاد هر چه بیشتر و همبستگی کارگران است که میتوان به پیروزی رسید . از همین رو کارگران صنعتی آمریکا تصمیم گرفتند در روز اول ماه مه کار را متوقف کنند و برای رسیدن به خواست های خود دست به اعتصاب و تظاهرات بزنند . مهمترین خواست آنها کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز بود . به این ترتیب تنها در روز اول ماه مه نزدیک به ۴۰۰ هزار کارگر در سراسر آمریکا با شعار " هشت ساعت کار در روز " دست از کار کشیدند و به راهپیمائی پرداختند .

در شیکاگو پلیس به کارگران حمله کرده و تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند . صدها کارگر در مناطق و شهرهای مختلف دستگیر شدند و رهبران آنها را در دادگاه محاکمه کردند . یکی از رهبران کارگران به نام " پارستر " که از جنگ پلیس گریخته بود ، برای اعلام همبستگی با رفقای همزمزم که محاکمه می شدند و طلبانه وارد دادگاه شد و خود را معرفی کرد . شهادت کم نظیر این کارگر انقلابی در دفاع از آرمان طبقه اش در شرایطی که میدانست مجازات اعدام در انتظار اوست ، همواره الهام بخش کارگران مبارز سراسر جهان بوده است . او در آخرین دفاع خود در دادگاه گفت :  
" عالیجنابان ، در موقع مخاطب قراردادن این دادگاه ، من به عنوان نماینده یک طبقه در مقابل نماینده طبقه ای دیگر صحبت می کنم . " این دادگاه سرمایه داران بود که کارگران و پیشروان آنها را به محاکمه کشید و بود حکم این دادگاه هم چیزی جز مرگ نمی توانست باشد . پارسنزو پارانیش در حالیکه سرودهای انقلابی می خواندند به استقبال مرگ در راه آزادی طبقه کارگر رفتند .

تراژدی شیکاگو سبب شد که کارگران آمریکا و سراسر جهان که عمیقاً به خشم آمده بودند تصمیم بگیرند که هر ساله در روز اول ماه مه تظاهراتی یکپارچه و عظیم برای ادامه مبارزه کارگران قهرمان شیکاگو برپا کنند و ضمن تقویت اتحاد و همبستگی کارگران جهان ، هر چه بیشتر برای رسیدن به خواستهای خود مبارزه کنند . این مبارزات پیگیر سرانجام توانست روز بقیه در صفحه ۳

## چگونه کارگران جهان جیت را در آستانه اول ماه مه به گلوله بستند

هشتم اردیبهشت سال ۵۰ در تاریخ سبب کارگری ایران جای ویژه ای دارد . در این روز ارتش مزدور رژیم سرمایه داری وابسته با دیگر چهره ضد انسانی وضد کارگری خود راه نمایش گذاشت و در راه حفظ منافع سرمایه داران ، خون گروهی از کارگران و زحمتکشان را به زمین ریخت . سرکوب خونین کارگران مبارز " جهان جیت " نشان داد که رژیم گذشته حتی حاضر نبود تظاهرات مسالمت آمیز کارگران را تحمل کند . در این روز کارگران مایکاز دیگر با این واقعت تاریخی آشنا شدند که چگونه سرمایه داری از همه نیرو و امکانات خود علیه آنها استفاده می کند .  
\* \* \*  
در روز هشتم اردیبهشت سال ۵۰ کارگران جهان جیت در ادامه مبارزات اعتراض آمیز خود برای بدست آوردن حداقل دستمزد دست به راهپیمائی زدند . این حرکت در شرایطی انجام گرفت که رژیم هرنسادی حق طلبانه ای را با گلوله پاسخ می گفت .  
کارگران جهان جیت که از همه طرف تحت فشار بودند و " فاتح " کارفرمایان حتی حاضر به اجرای مقررات فرمایشی وزارت کار هم نبود بی توجه به اخطارها و تهدیدهای عاملان کارفرما و رژیم ، به این راهپیمائی مسالمت آمیز مبادرت کردند .  
ساعت ۲/۵ بعد از ظهر هشتم اردیبهشت ، دستهای پرتوان کارگران ، درهای آهنی کارخانه جهان جیت را بازگشود و وسیل جمعیت فشرده

و خروشان به خیابان ریخت . کارگران کارخانه های دیگر هم که خواسته خود را در فریادها و مشت های گره کرده کارگران جهان جیت می دیدند . اجتماع آنها پیوستند .  
صفوف کارگران هر لحظه متشکل تر شدند در میان حیرت و نگرانی رهگذران راه خود را به سوی جاده کرج باز کرد . . .  
بهبتر است شروع و ادامه این واقعه را از زبان یکی از کارگران جهان جیت که در این روز در میان سایر رفقای کارگر خود بوده و در جریان تیراندازی زاندارم ها قسمتی از پایش را از دست داده نقل کنیم :

" وقتی ماه خیابان آمدم تعدادمان از ۱۵ نفر هم بیشتر بود . ما می خواستیم پای پیاده به تهران بیاییم و جلو وزارت کار اجتماع کنیم . البته برای این تصمیم هیچ برنامه ریزی قبلی نشده بود و رهبر شخص نداشت . علت اعتراض ما پائین بودن حقوق و بی توجهی فانت ( کارفرما ) به خواستهای ما بود . به عنوان مثال من در آن موقع با اینک یازده سال سابقه کار داشتم و متاهل بودم ، فقط روزی ۷۵ ریال می گرفت یادم می آید وزارت کار در همان روزها حداقل حقوق را ۱۰ تومان تعیین کرده بود اما " فاتح " حاضر نبود حقوق ما را زیاد کند . ماحتی حاضر بودیم روزی ۵ ریال به حقوقمان اضافه شود و به همین منظور هم پیوسته " مهندس خلیلی " رقتیم اما او ما را تهدید به اخراج کرد . ناراضیتی

## یادی از شهدای کارگر سازمان

اول ماه مه روز کارگران است و به راه به شهادت رسیدند یادی کنیم . در این همین مناسبت ، مناسب دانستیم از یادنامه شهدا بشرح مبارزات چند تن از کارگرانی که بخاطر بهروزی طبقه کارگر و کارگران عضو سازمان چریکهای فدائیی زحمتکش آگاهانه مبارزه کردند و در این خلق می پردازیم .

### فدائیان شهید جلیل انفرادی و اسکندر صادقی نژاد

رفیق جلیل انفرادی در یک فراهم کندولی این امر با وجود تلاش خانواده بسیار فقیر در سال ۱۳۲۲ متولد او میسر نشد و مادر علیرغم تمایلات شد . دوران کودکیش بارنج و محنت قلبیش ناچار شد جلیل را به پرورشگاه بسیار همراه بود . مادرش به تنهایی بسیار .  
می بایست وسیله ادامه زندگی آنان را



رفیق اسکندر صادقی نژاد

بقیه در صفحه ۴

آنچه می خوانید :  
اول ماه مه جلوه زنده ای از تاریخ مبارزات کارگران جهان  
به پیش او از یاد نبریم همبستگی را  
گرامی باد خاطره شهدای کارگر  
این عید ماست . بپا خیزید

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# اول ماه مه جلوه زنده‌ای از تاریخ مبارزات کارگران جهان

روزالوکزامبورگ از رهبران  
عنبرش کارگری آلمان و معاصر  
النبن بود.  
مقاله ای از این زن مبارز  
آیه نام " اول ماه مه " ترجمه  
تلخیص کرده ایم که  
ی خوانید.

بعنوان روزی برای تظاهرات به رسمیت  
بشناسد. از طرف دیگر ضروری به نظر  
می رسد که مرحله ای طولانی برای  
ادامه مبارزه پارلمانی و توسعه آرام  
سازماندهی سیاسی و سندیکایی در  
جنبش کارگری سیری شود. سالگرد  
روز اول ماه مه در آلمان تصویب  
قوانینی به نفع "سوسیالیستها" راه  
همراه داشت. در سال ۱۸۹۳ کارگران  
بلژیک متحد شدند و در سال ۱۸۹۶ کار  
گران آطریش موفق شدند به پارلمان  
آن کشور وارد شوند. سالهای ۹۰ در  
همه جا دورانی جدید از فعالیت های  
سندیکایی و رشد مداومی در نمایندگان  
پارلمانی طبقه کارگر با خود به ارمغان  
آورد.

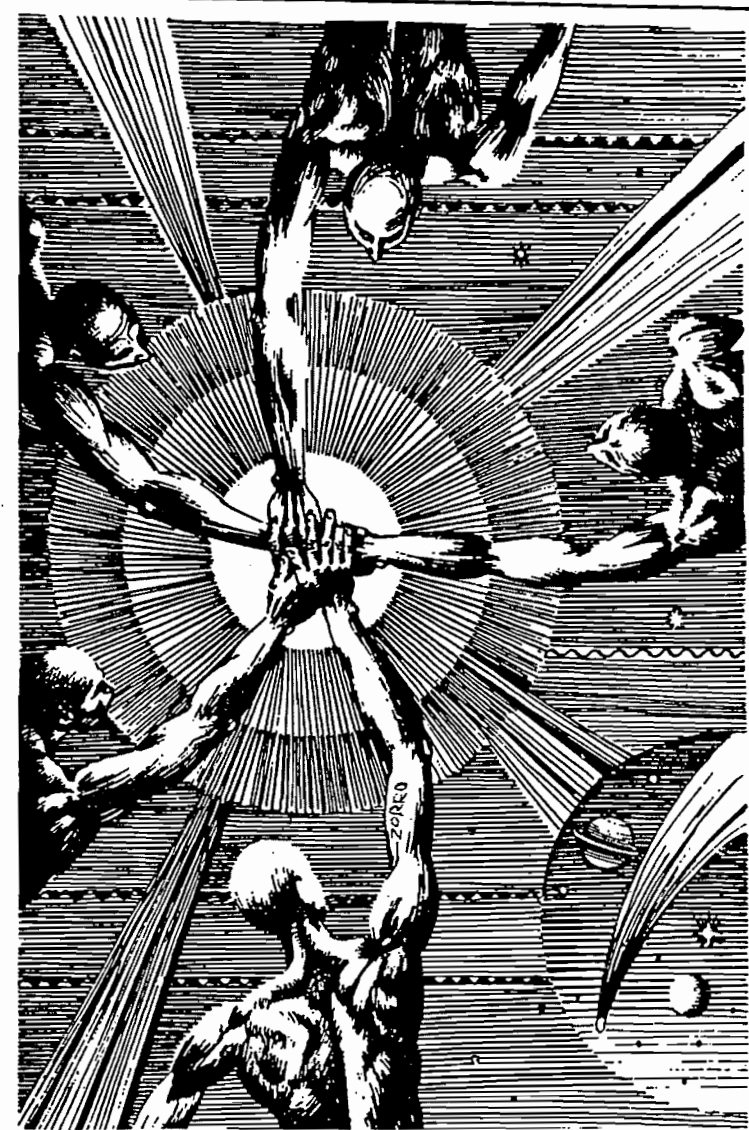
چشم اول ماه مه داشت کم کم  
تبدیل به یک جشن عمومی و مسالمت  
آمیز می شود و جامعه بورژوازی با خیال  
آسوده به آن می نگریست. اما در  
سالهای اخیر تغییرات قابل توجهی  
در موقعیت جنبش کارگری بوجود آمده  
است. بار دیگر بادی سهمگین بر فراز  
پهنه نبرد و زیدن آغاز کرده است.  
در شرق، انقلاب کبیراکتبر، در آلمان  
تشدید و دو قطبی شدن مبارزه سیاسی و  
اقتصادی، اخراج وسیع کارگران در صنایع  
و متحد شدن تمام احزاب بورژوازی برای  
بیرون راندن کارگران از پارلمان، در فرانسه  
، یورش وحشیانه دولت رادیکال  
علیه سندیکاها و مبارزات مطالباتی  
کارگران که در سازمانهای قدرتمند  
کارگری متشکل شده بودند ...  
سرمایه داری جهانی، وحشیانه و عصبی  
دست به حمله می زند. و بدین سبب روز  
اول ماه مه وارد مرحله جدیدی  
می شود.

وظیفه پرولتاریا امروزه مجهز  
ساختن خویش به خود آگاهی و آگاهی  
به وظایف خود و فعالیت برای دورانی  
است که فرارسیدن آن دیر یازود قطعی  
و محتوم است و در این میان جشن اول  
ماه مه و سیله ای برای تظاهرات مستقیم  
توده است. بطور مشخص در آلمان  
می بایست بعنوان جوابی به شکست  
پارلمانی سوسیال دمکراسی در ۲۵  
ژانویه جشن اول ماه مه باشکوه و وسعت  
هر چه بیشتر برگزار شود. توده کارگران  
باید به توده متحد و ارتجاعی بورژوازی  
بگوید: شمامی خواستند نمایندگان ما  
را از قانون گزار بیرون کنید، لیکن  
اکنون ما خود در اینجا هستیم و شما مارا  
مصمم تر، هم بسته تر و روزمند تر از  
همیشه می یابید.

علاوه بر آنچه که گفته شد نکته دیگری

روز اول ماه مه یک واقعه زنده  
اریخی از مبارزات طبقاتی کارگران سراسر  
نشان است و به همین خاطر از ابتدای  
اکنون منعکس کننده تمام مراحل و لحظات  
بین مبارزه است. در ظاهر همیشه همان  
حظات، همان سخنرانی ها، مقالات  
نواسته ها و گذراندن قطعه نامه های مشابه  
کرار می شود و از این جهت آنها تکیه  
بیشان فقط در سطح این مسائل باقی  
می ماند قادر نیستند تغییرات روابط  
رونی پدیده ها را حس کنند و تصور  
ی کنند که روز اول ماه مه بخاطر تکرار  
برساله اش اهمیت خود را از دست داده  
به تظاهرات بی محتوی تبدیل شده  
است. روز اول ماه مه در زیر جلوه ظاهر  
کنواختش، نفس متغیر مبارزه کارگری را  
نشان دارد و به زندگی هماهنگش با  
جنبش کارگری ادامه می دهد و با محتوی  
رفراز و فرودش بناگر اوضاع متغیر مبارزه  
لبقائیت است.

جشن اول ماه مه در دوران تاریخی  
بود سه مرحله مهم را پشت سر گذاشته  
رسالهای اول، این جشن از طرف تمام  
ارگران جهان با انتظارات فوق العاده  
باشور و شعف خاصی برپا می شد. طبقه  
ارگر به ابزارهای مبارزاتی خود، سلاح  
جدیدی افزوده بود و اولین آزمایش ها  
این سلاح جدید مبارزه، احساس و  
بور مبارزاتی میلیونها انسان تحت ستم  
استعمار را برانگیخته بود. از طرف دیگر  
بورژوازی تمام ممالک با ترس و نفرت هر  
به بیشتر، خود را با تظاهرات جدید  
بازره طبقاتی مواجه می دید. تظاهرات  
ترناسیونال سوسیالیستی در دهه  
بورژوازی مجددا شیخ انترناسیونال  
دیمی رازنده می کرد. برگزاری حورانه  
همزمان جشن کارگری بین المللی برای  
بورژوازی، همچون ناقوس مرگ سرمایه داری  
ن نبود. به همین دلیل بورژوازی در  
مالهای اول دیوانه وار دست به تدارک  
بسیعی زد تا بتواند با خطرات ناشی از  
روز اول ماه مه بوسیله زور و اعمال قهر  
رسخانی نیروهای ارتش و پلیس مقابله  
کند. بعنوان پیشگام این نیروی مسلح  
بورژوازی، جمهوری آزاد فرانسه وارد  
گود شد و پس از آن استبداد تزاری، روز  
اول ماه مه در سال ۱۸۹۱ در شهر فورمی  
Fourmies فرانسه اولین قربانی  
خود را داد و در سال ۱۸۹۲ به یک نبرد  
خونین در لهستان روسیه در شهر  
گودز Lodz منجر شد. اما طبقه  
حاکم نتوانستند بزودی آرامش از دست  
رفته را باز یابند و روز اول ماه مه، فقط



## به پیش! و از یاد نبریم همبستگی را

برتولت برشت  
سرود همبستگی

خود را در بلا انداخته است.  
به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما.  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را.

اربابان ما، دودستگی مارا  
با خشنودی می نگرند  
زیرا تا ما دچار دودستگی هستیم  
آنها ارباب ما هستند.  
به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را

ای سیاه! سرخ! زرد! سفید!  
بحث و نزاع دیرین را به کناری گذارید  
اگر با هم سخن گوئید، خواهید دید  
هیچ اختلافی ندارید.

به پیش! و از یاد نبریم  
در چیست قدرت ما.  
به هنگام گرسنگی و به هنگام سیری  
به پیش! و از یاد نبریم  
همبستگی را.

اگر بخواهیم به پیروزی دست یابیم  
هم به تو، و هم به تو، نیاز هست  
هر که ممنوع خویش را در بلا اندازد

چندین نفر از آنان را از یای انداختند و  
شعارهایی چون " مرگ بر شاه خائن " و " زنده  
باد مبارزه رهائی بخش خلق " مردم را از چگونگی  
این برخورد آگاه کردند.  
سرانجام رفیق ابرج سیهیری برای اینکه زنده  
به دست دشمن نیفتد در حالیکه فریادهای او شهر  
آبادان را لرزاند و در آورده بود با کشیدن ضامن  
نارنجکی به زندگی خود خاتمه داد و حماسه شگفت  
انگیز رفیق خا حامه سه برادرش (نیرو سرفروغ و  
فرهاد) که در سالهای مختلف به شهادت رسیدند  
به هم آمیخت.  
" جاودانه باد خاطره تمام  
شهیدای راه آزادی "

بقیه از صفحه ۴

### مختصری از زندگی و ...

ضربه های سختی وارد می کردم .  
سرانجام رفیق ابرج سیهیری تصمیم  
گرفت و ادامه نبرد در کشور خودش می گیرد .



بقیه از صفحه اول

### چگونه کارگران جهان جیت ...

هر روز بیشتر می شود با اینکه امکان ارتباط و گفتگو خیلی محدود بود اما توانستیم مقدمات یک اعتصاب عمومی رافراهم کنیم . ماه روز اعتصاب کردیم . در این مدت در محیط کار خانه جمع شدیم و خواستهای خودمان را مطرح کردیم . روز سوم اعتصاب که همان هشتم اردیبهشت بود " راشدی" نماینده اداره کار کرج به کارخانه آمد . ما گمان می کردیم که او برای اجرای مقررات جدید وزارت کار و حمایت از ما به کارخانه آمده اما چند لحظه بعد متوجه اشتباه خودمان شدیم . " راشدی " شروع به سخنرانی کرد و از کارگران خواست بلا فاصله به سرکار بازگردند و الا اخراج می شوند . کارگران شدیداً اعتراض کردند و " راشدی " مجبور شد کارخانه را ترک کند . این را هم بگویم که موقعیکه " راشدی " این نوکر جیره خوار " فاتح " توی اتومبیل خودش نشست و می خواست حرکت کند کارگران بطرف او هجوم بردند و " راشدی " را همراه با اتومبیل روی دست بلند کردند . کارگران مسافت زیادی اتومبیل را روی دست حمل کردند و خارج از کارخانه آن را به زمین انداختند . به این ترتیب نماینده وزارت کار که مطابق معمول حامی کارفرما بود اخراج شد . بعد از این ماجرا " سروان منصور " فرمانده گروهان زاندارم کرج همراه با چند تا زاندارم به کارخانه آمد و شروع به تهدید و فحاشی کرد .

کارگرها که در مقابل زورگویی فاتح و حمایت همه جانبه نماینده وزارت کار و زاندارم از او خونشان به جوش آمده بود تصمیم گرفتند برای اعتراض از کارخانه بیرون بیایند و طرف تهران سرازیر شوند . همین سروان منصور که دستش را بخون ما کارگران آغشته کرد ( ومدتی بعد هم به خاطر این کار خوش خدمتی یک درجه گرفت ) و همچنین " سرهنگ خطیبی " رئیس ساواک کرج به کارگرها اخطار کردند که اگر از کارخانه بیرون بیایید هر چه دیدید از چشم خودتان دیده اید . کارگرها در مقابل این تهدید گفتند : " اگر جلواتش و گلوله برویم بهتر از این است که این زندگی را تحمل کنیم " .

حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر بود که ما از کارخانه خارج شدیم . در طول راه عده ای از کارگرهای کارخانجات دیگر و حتی مردم عادی هم به ما پیوستند . در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر بود که در نزدیکی " کاروانسرا سنگی " با زاندارم ها روبرو شدیم . آنها در سه ردیف به حال آماده باش ایستاده بودند . ما تصمیم گرفتیم به راهپیمائی ادامه بدهیم . وقتی به نزدیکی زاندارم ها رسیدیم آنها به ما حمله کردند . بعضی از آنها با چوب و چماق به جان جمعیت افتادند و عده ای از کارگرها را مجروح کردند . کارگرها هم با سنگ به مقابل پرتاب کردند . چند لحظه بعد صدای رگبار گلوله همه چیز را عوض کرد . وحشت زده بطرفی فرار کردیم . کناره پیاده روها ، وسط خیابان و حتی توی جوی ها انباشته از آدم بود . بعد از چند لحظه سکوت ، صدای ناله و فریاد از همه جا بلند شد . آن بی شرف هایی که دانسته و نادانسته به نوکری سرمایه دارها در آمده بودند دوباره شروع به شلیک کردند و این بار هم چند نفر دیگر را به خاک و خون کشیدند .

من که پایم تیر خورده بود وسط خیابان افتاده بودم . یکی از رفقایم که تیر به سینه اش خورده بود و آخرین لحظات زندگی را می گذراند به روی من افتاده بود . هیچوقت صورت معصوم او و چشمهایش را که سعی می کرد باز نگاه دارد از یاد نمی برم . او فقط ۱۶ سال داشت و شاید اگر زودتر به بیمارستان می رسید زنده می ماند .

نزدیک غروب بود که تیراندازی تمام شد و زاندارم ها برای مدتی نگذاشتند کسی به ما نزدیک شود . رفقای کارگر می خواستند به کمک زخمی ها بیایند اما زاندارم ها مانع می شدند و ما از خونریزی و درد به خود می پیچیدیم . درست یادم می آید که یکی از کارگرها بنام " عباس کمالی " صف زاندارم ها را شکست و در حالیکه شکمش را با لایحه بود به فرمانده آنها گفت " من هفت بچه دارم ولی از مردن ترسی ندارم . بزنید ، بزنید ... " پس از مدتی ما را به بیمارستان شماره ۲ کرج بردند . تعداد شهدا و زخمی ها هنوز هم معلوم نیست . از کارگرهای جهان جیت حداقل سه نفر کشته و شانزده نفر هم زخمی شدند . از کارگرهای کارخانجات دیگر و از مردم عادی و رهگذر هم تعدادی کشته و زخمی شدند که لااقل ده نفر شهید و بیش از پنجاه نفر هم زخمی شده بودند . مثلاً یک شوfer اتوبوس ، یک شاگرد نانوا و یک خانم که از حزام آمده بود تیر خوردند و کشته شدند .

### اسامی شهدا و مجروحان جهان جیت

از کارخانه جهان جیت : " علی کارگر " ۳۲ ساله ، " حسین نیکوکار " ۱۶ ساله و " مسیح الحشم فیروز " ۱۶ ساله شهید شدند . ( پادشان گرامی باد )  
علی محمد رضا حسینی ، اکبر دانشی ، فیض اله خردفلاح ، حسن دهرشیری محمد سپهری ، محمد رضا فیض آبادی ، حسین فاتحی ، حسین رشیدی حبیب اله عطار وردی ، محمد اسلامی ، اجاقعلی پور اکبری ، علی محمد قادریان و محمد گودرزی ، هم عده ای از زخمی های این کارخانه بودند که بیشتر آنها نقص عضو پیدا کردند و هنوز هم از ناراحتی و عوارض آن رنج

# گرامی باد خاطره شهدای کارگر

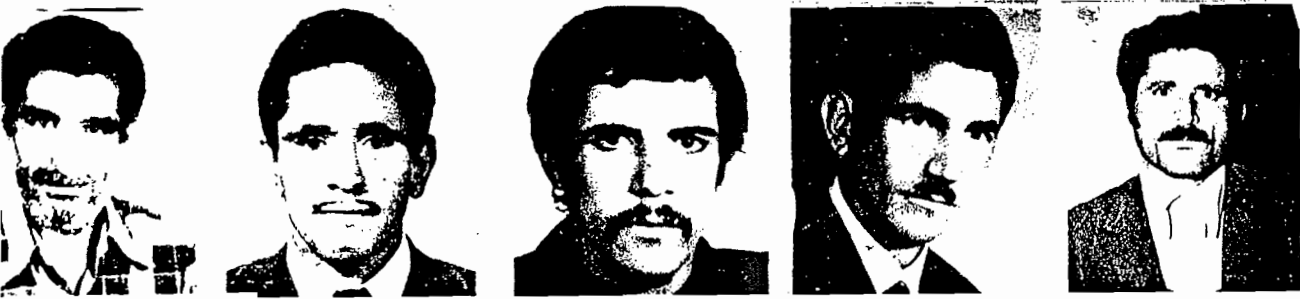
## که با دلاوریهای خود نقش ارزنده ای در قیام ایفا کرد



اکرم مرادبان ، رحمت الله روحانی ، ابوالفضل شیخ زاده

در جریان قیام خونین خلق قهرمان ایران ، کارگران نقش برجسته ای داشتند . در این قیام صدها کارگر رزمنده علیاً ستشاروستم جنگیدند و به شهادت رسیدند . از آنجاکه به نام و عکس همه آنها دسترسی نداشتیم ، اسامی و عکس چند تن از آنها را در این ویژه نامه منتشر می کنیم .

پادشان گرامی و خاطره شان جاودان باد



عبدالله امام محمدی ، علی صدر زاده ، حسین سلکی ، علی اکبر ذهابی ، ظاهر بارانی



بهرام زندی ، محمد دستان کارگر نفت ، علی بوستانی ، ابوالقاسم علاءالدین ، حشمت اله پیرانود

بقیه از صفحه اول

### اول ماه مه روز همبستگی ...

اول ماه مه را بعنوان روز کارگر تثبیت کند و حتی بیشتر دولت ها نیز ناکزیر شدند آن راه رسمیت بشناسند .

در کشور ما ایران جشن اول ماه مه برای نخستین بار در سال ۱۲۹۹ - برگزار شد . در این سال به ابتکار " شورای مرکزی اتحادیه کارگران " که از پانزده اتحادیه تشکیل شده بود ، تظاهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت . جنبش کارگری و سندیکائی ایران در این تظاهرات کاملاً آشکار شد .

در دوران خفقان و دیکتاتوری سیاه رضا خان قلدر ، کارگران ایران جشن روز کارگر را غالباً بطور مخفی برگزار می کردند . اما از سال ۱۳۲۰ به بعد که مبارزات کارگری در ایران ابعاد گسترده تری پیدا کرده بود ، مراسم اول ماه مه هم بطور علنی برگزار می شد . در سال ۱۳۲۵ در تظاهرات اول ماه مه ۲۵۰ هزار نفر شرکت کردند و گوشه ای از قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند . در همین سال دهها هزار نفر از کارگران نفت جنوب دست به اعتصابی عظیم و یکپارچه زدند . که یکی از خواستهای آن قبول تعطیل اول ماه مه بعنوان جشن کارگری بود . دولت تسلیم شد و این خواست را پذیرفت اما هرگز به تعهد خود عمل نکرد و تعطیل روز کارگر را به رسمیت نشناخت .

با کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به جنبش کارگری و سندیکائی ایران نیز ضربات سهمگینی وارد آمد . رهبری جنبش بخاطر خصلت دنباله روی

می برند ...

کارگر جهان جیت که ماجرا را برای ما نقل می کرده هنوز از درد پای می نالید و در اثر این حادثه به بیماری " غش " مبتلا شده بود . او چیزهای زیادی از وحشیگریهای ما موران حتی در بیمارستان تعریف می کرد . اومی گفت : « بجای معالجه زخمی ها که در آستانه مرگ بودند از آنها بازجویی می کردند . برای یک " یوکه فشنگ " که من به عنوان مدرک همراه خودم برده بودم ، هفته ها از من بازجویی می کردند و در این مدت من ممنوع الملاقات بودم . پس از این واقعه چند روز کارخانه در اشغال نظامی ها بود و عده ای از کارگران فعال را اخراج کردند و چون نفر را که از سربازی معاف شده بودند به سربازی بردند . از جمله غلامعلی درگر ( موحدی مهر ) را به منطقه بد آب و هوا فرستادند . »

از او سؤال کردیم اگر آن روز می دانستی که در تظاهرات پایت

وسایست های ضد کارگری و ضد انقلابی خود نتوانست از شکل و قدر کارگری استفاده کند و جنبش به بیراهه کشیده شد . بار دیگر جشن نیز حالت مخفی و پراکنده پیدا کرد . کارگران مجبور بودند جشن بشکل مجلس عروسی و نظائر آن برگزار کنند تا پلیس متوجه نشود . از اواسط دهه ۴۰ به بعد ، سندیکاهای مترقی مانند سندیکا و مکانیک و بافنده سوزنی ، این روز را با قاطعیت تمام جشن می گرفتند . سالیهای اختناق و سرکوب ، اعضا گروه کوهنوردی سندیکای فلز کار به سرپرستی رفقای کارگر شهید ، اسکندر صادقی نژاد و جلیل افراوه بلندی در شب اول ماه مه برفراز قله توجال می افروختند ، آتشی که انتهاب و شور مبارزاتی کارگران دلیر ایران بود ، آتشی که در حقیقت انعکاس خشم فروخورده توده بود که از درون پیشاهنگ زبانه می کشید انقلاب را میداد .

اکثریت کارگران ماکه در شرایط خفقان هیچگونه مکانی برای آگاهی طبقاتی و مبارزاتی در اختیار نداشته اند ، هنوز هم با مفهوم روز اول ماه آشنا نیستند . این وظیفه کارگران مبارز و آگاه است که در روز اول ماه مه امسال ، در شرایطی که روز اول ماه مه برای نخستین پس از سرنگونی رژیم پهلوی بطور علنی و آزاد و غیرفرمایشی برگزاریم بانمایش قدرت عظیمی که در همبستگی و اتحاد کارگران نهفته است ، واقعی روز کارگر را آشکار کنند و با کارگران سراسر جهان برای سزنگو نظام ظالمانه سرمایه داری تجدید عهد کنند .

کارگران سراسر جهان متحد شوید  
کارگران و زحمتکشان ایران ، متحد شوید

را از دست می دهی در تظاهرات شرکت می کردی گفت : " البته هیچک مانمی دانستیم که آنها ممکن است به ما حمله کنند . ما حداقل حق خودمان را می خواستیم و حتی شعار هم نمی دادیم ! " در برابر اصرار ما که می خواستیم بیشتر از مضمون این حرکت T یکی از کارگران نسبتاً مسن که در جمع کارگران بود گفت : " مساله خیلی تراز این حرفها بود که شامی زنیید . مساله دیزی آبگوش بود . ما نداشتیم که بخوریم . "

سؤال کردیم که عکس العمل کارگران در مقابل اعدام انقلابی جنایتکار چه بود ؟ احساس می شد که هنوز هم کارگرها جرات نمی کنند حرف دل را بی پرده بزنند . فقط یکی از آنها با کنایه گفت : " اگر هم کارگرها شیر دادند در بیرون ، از کارخانه بد . "

بقیه از صفحه اول: یادای از شهدای کارگر سازمان

## مختصری از زندگی و مبارزه چند تن از شهدای کارگر سازمان ما

### فدائی شهید یوسف زرکاری



رفیق جلیل انفرادی

رفیق جلیل سالها پیش از آنکه به صف انقلابیون مسلح بپیوندد فعالیت خود را در کنار رفیق اسکندر صادقی نژاد در سنگیهای کارگران فلز کار و مکانیک آغاز نمود. در اینجا بود که زندگی این دور رفیق تا پایان زندگیشان به هم بافته شد. جلیل و اسکندر مدتها دبیر سنگیهای فلز کار و مکانیک بودند و کارگران عضو سنگیها هرگز خاطره کوششهای این دور رفیق را در جهت احقاق حقوق خود فراموش نمی کنند. جلیل و اسکندر در دوران فعالیت سنگیهای همراهِ با سایر رفقای کارگشان یک سازمان کوهنوردی

به وجود آوردند. این سازمان کوهنوردی در سال ۱۳۴۳ پناهگاهی برفراز قلعه توجال ساخت و این یادگار کار دسته - جمعی را پناهگاه کارگران نام نهادند که هم اکنون نیز پابرجاست. اسکندر صادقی نژاد ابتدا در جلیل انفرادی در پی او در جرگه مبارزین وارد شدند که خود را برای اقدام مسلحانه بر علیه رژیم شاه جنایتکار آماده می ساختند. آنها بخاطر رهائی خلقی که آنهمه دوستشان می داشتند و بخاطر رهائی طبقه کارگر در سازمان چریکهای فدائی خلق بدست گرفتند و آماده نبرد تاریخی شدند که واقعتاً ستم طبقاتی آنرا الزامی می ساخت. رفیق جلیل انفرادی به همراه سایر رفقای مبارز، تحت رهبری علی اکبر

### فدائی شهید جعفر اردبیلی

بار توده زحمتکش آشنا شد، و در یک آهنگری به عنوان کارگر مشغول به کار شد و بعدها به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد. رفیق جعفر در بهمن ماه ۱۳۴۹ همراه رفیق مناف فلکی و چند تن از رفقای هم رزمش در اولین عملیات مسلحانه که به کلانتری ۵ تبریز بود شرکت کرد. رفیق جعفر در سال ۱۳۵۰ دستگیر و پس از شکنجه وحشیانه مزدوران رژیم در ۲۲ اسفند همان سال به همراه ۸ تن از دیگر رفقای فدائی به دست دژ خیمان رژیم تیر باران شد. گرامی باد خاطره پر شور رفیق

### فدائی شهید اصغر عربهریسی



۲۲ اسفند سال ۵۰ به همراه ۸ تن دیگر از رفقای فدائیش به دست دژ خیمان رژیم شاه تیر باران شد. "یادش گرامی باد"

بهار توده زحمتکش آشنا شد، و در یک آهنگری به عنوان کارگر مشغول به کار شد و بعدها به عضویت سازمان چریکهای فدائی خلق درآمد. رفیق جعفر در بهمن ماه ۱۳۴۹ همراه رفیق مناف فلکی و چند تن از رفقای هم رزمش در اولین عملیات مسلحانه که به کلانتری ۵ تبریز بود شرکت کرد. رفیق جعفر در سال ۱۳۵۰ دستگیر و پس از شکنجه وحشیانه مزدوران رژیم در ۲۲ اسفند همان سال به همراه ۸ تن از دیگر رفقای فدائی به دست دژ خیمان رژیم تیر باران شد. گرامی باد خاطره پر شور رفیق

### این عید ماست، بیا خیزید

- این است، عید ماست، عید ماست، عید رنج و تلاش.
- عید دست های پینه بسته و فولاد
- عید مشت برافراشته دودکش های کارخانه
- عید فریاد.
- عید خروش
- عید خشم
- عید سروش.
- عید پتک
- عید سندان
- عید کارگران سرتاسر جهان
- این عید ماست، به پا خیزید
- تازمین در زیر ضربات گام های مابه لرزه در آید
- بها خیزید
- تاباتوان بازوان پولادین خویش
- زمین را در مدار دیگری به گردش اندازیم
- در مدار کار و شرف
- این عید ماست
- بیا خیزید
- تا صاف کار را
- در میدانی به وسعت فریاد
- بسج کنیم
- نارنجک مشت های گره کرده خود را
- در فضای دود زده کارخانه
- من فجر کنیم
- و حنجره رنج را برفراز دودکش های بنشینیم
- و از آنجا سرود رنجبران را بخوانیم
- که: اینک مائیم
- فرزندان کار و شرف
- پیروزی از آن ماست.
- بیا خیزید
- اقیانوس خلقهای جهان در تلاطم و غوغاست
- به پا خیزید تا سرود کار را سر دهیم
- که سرود فتح ماست
- سرود فتح شرافت و انسان
- سرود ایمان
- ایمان به توان دست های پولادین رنجبران



خود را در زندان در جزوه ای تنظیم کرده که تحت عنوان "خاطرات یک چریک در زندان" منتشر شد. یوسف زرکار در تاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۵۲ در درگیری با ماموران سازمان امنیت در اصفهان شهید شد. او هنگام شهادت ۴۱ ساله بود. با ایمان به پیروزی راه او

یوسف در دیماه ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. نه ساله بود که پدرش درگذشت و مجبور شد برای تامین مخارج خانواده از همان سالهای کودکی به کارگری بپردازد و در نتیجه تا کلاس یازدهم بیشتر درس نخواند. کار در کارخانه واقعیت استعمار را به رفیق نشان داد. پس از اینکه جنبش نوین انقلابی علیه رژیم فاشیستی شاه در سال ۱۳۴۹ در جنگل سیاهکل توسط "چریکهای فدائی خلق" آغاز شد و تحولی کیفی در مبارزات خلق مابه وجود آمد، رفیق یوسف زرکاری راه درست مبارزه را انتخاب کرد و علیه رژیم کمی سن از اولین کسانی بود که به صف انقلاب مسلحانه ایران پیوست. رفیق پس از مدتی فعالیت در شهر یورماه ۱۳۵۰ در شرایط فاشیستی ایران، به وسیله سازمان منگرو امنیت دستگیر شد. بعد از یکسال از زندان آزاد شد و با پیگیری و پشتکار زیاد توانست با سازمان "چریکهای فدائی خلق" تماس بگیرد. رفیق زرکار پس از ارتباط با سازمان تجارب یکساله

### فدائی شهید حسن نوروزی



رفیق حسن نوروزی در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده کارگری در شهر تهران متولد شد. پدرش از کارکنان راه آهن و یکی از فعالین جنبش کارگری و عضو حزب توده بود که در اوایل سالهای ۳۰ به علت درک فرصت طلبی و بی لیاقتی رهبران حزب توده از آن کناره گیری کرده بود. بدین ترتیب رفیق نوروزی در یک خانواده سیاسی و آگاه رشد کرد.

زندگی رفیق نوروزی از همان دوران نوجوانی با کارگری و سرگردانی سپری شد. او پس از چند سال کار در شهرهای جنوب مانند بوشهر، کرمان و شیراز، به تهران آمد و در کارخانجات شاه پسند مشغول بکار شد و به این ترتیب کار را در کارخانجات بزرگ تجربه کرد. او یکسال تمام بعنوان کارگر شب کار از نیمه شب تا صبح در این کارخانه کار کرد. مدتی بعد رفیق نوروزی در کارخانجات راه آهن دولتی استخدام شد.

### فدائی شهید ایرج سپهری



رفیق ایرج سپهری در سال ۱۳۲۲ در شهر بابل متولد شد. از سن جوانی برخلاف تعالیمات و معیارهای خانوادگی به کارگری پرداخت. او در این شرایط محیط کار ۴۰۰۰۰۰ کرنوآبدیده شد. او هرگز کارگری مطیع و سرسبز نبود.

رفیق ایرج سپهری در جریان مبارزه به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و از این طریق با برادرانش که در صفوف مقدم مبارزه بودند، دوباره پیوند خورد. در بهمن سال ۵۰ ایرج سپهری از جانب سازمان امنیت منگرو شاه دستگیر شد و مدتی به زندان افتاد. خودش می گفت: "زندانی برای من آموزشگاه بزرگی بود". پس از آزادی متاسفانه ارتباط او با سازمان چریکهای فدائی خلق قطع شده بود. او هر چه تلاش کرد نتوانست این ارتباط را دوباره برقرار سازد. بدین جهت تصمیم گرفت که به فلسطین برود. او زن و دو فرزندش را که بسیار هم دوستشان می داشت ترک

بخواند!  
این عید ماست  
خورشید فتح، در افق پیداست.  
بخواند!  
خرده  
برلبان رنجبران  
چه زیباست!